

تبیین اصول و مبانی طراحی منظرین شهرهای ساحلی در راستای افزایش حس تعلق به مکان نمونه موردی: ساحل شهر بوشهر

رضا قشقای: دانشجوی دکترای معماری، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
خسرو موحد*: دانشیار گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
حامد مضطرزاده: استادیار گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

Explaining the principles and foundations of coastal cities landscape design in order to increase the sense of belonging to the case sample place of Bushehr coast Abstract

It is estimated that about ۳ billion people, less than half of the world's population, live within ۲۰۰ km of the coastline, which is projected to double by ۲۰۲۵. On the other hand, improving the visual and ecological quality of the environment and landscape and promoting the sense of belonging to the place in the space organization can facilitate the desired environmental quality and define a unique pattern of identity for urban beaches; Accordingly, this article examines the criteria and principles of landscape design of coastal cities in order to promote a sense of belonging to the place. The research method of this research was descriptive-analytical and meta-analytic method. The survey research method was used with a questionnaire to develop the criteria for landscape design desired by users in order to motivate their sense of belonging. The statistical population included beach strip users in Bushehr who were selected based on Cochran's formula of ۳۸۹ people and a simple random method. In order to assess the reliability of the questionnaire questions, Spss۲۵ software and Cronbach's alpha coefficient technique were used. The findings of the present study show that the effective components of landscape design of coastal cities in order to increase the sense of belonging to the place are: environmental factors, location, spatial diversity, safety, visual beauty and permeability. The results also show that the sense of belonging to the place of beach users in the cognitive (identity) and emotional (attachment) dimension is at a high level. Behavioral dimension (dependence) is lower than cognitive and emotional dimension and shows that the beach has not been successful in meeting their needs that the lack of a beach line for the formation of recreational and water-related activities, Lack of suitable beds for family establishment, interference of cavalry and pedestrians, threats of burnout and destruction of the historical fabric of Bushehr are effective in this regard.

Keywords: landscape, landscape design, sense of place, sense of belonging to the place, coastal cities, Bushehr.

مطابق آمارهای موجود حدود کمتر از نیمی از جمعیت جهان در فاصله ۲۰۰ کیلومتری از خط ساحلی زندگی کرده که مطابق پیش‌بینی‌ها این تا سال ۲۰۲۵ این رقم با رشد دو برابری مواجه خواهد شد. از سویی دیگر، ارتقاء کیفیت بصری و اکولوژیکی محیط و منظر و ارتقاء حس تعلق به مکان در سازمان فضایی می‌تواند تسهیلگر کیفیت مطلوب محیطی و تعریف الگوی منحصربه‌فردی از هویت برای سواحل شهری باشد؛ براین اساس در این مقاله به بررسی معیارها و اصول طراحی منظر شهرهای ساحلی در راستای ارتقاء حس تعلق به مکان پرداخته شده است. روش تحقیق این پژوهش، «توصیفی-تحلیلی» و روش «فراتحلیل» بوده است که از روش تحقیق «پیمایشی» با ابزار «پرسشنامه» برای تدوین معیارهای طراحی منظر موردنظر کاربران در راستای برانگیزش حس تعلق به مکان در آن‌ها استفاده شده است. «جامعه آماری» شامل کاربران نوار ساحلی در شهر بوشهر بوده که بر اساس «فرمول کوکران» تعداد ۳۸۹ نفر و روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند و به‌منظور سنجش پایایی سوالات پرسشنامه از نرم‌افزار Spss25 و تکنیک ضریب «آلفای کرونباخ» استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تأثیرگذار طراحی منظر شهرهای ساحلی در راستای افزایش حس تعلق به مکان عبارتند از: عوامل محیطی، موقعیت مکان، تنوع فضایی، ایمنی، زیبایی بصری و نفوذپذیری. همچنین نتایج تحقیق نشان از آن دارد که حس تعلق به مکان استفاده‌کنندگان ساحل در بعد شناختی (هویتی) و عاطفی (دلبستگی) در سطح بالایی قرار دارد. بعد رفتاری (وابستگی) نسبت به بعد شناختی و عاطفی در سطح پایین‌تر قرار دارد و نشان می‌دهد ساحل در برآورده کردن نیازهای آن‌ها موفق عمل نکرده که عدم تجهیز خط ساحلی برای شکل‌گیری فعالیت‌های تفریحی و مرتبط با آب، عدم وجود بسترهای مناسب جهت استقرار خانواده، تداخل حرکت سواره و پیاده، تهدیدات ناشی از فرسودگی و تخریب بافت تاریخی بوشهر در این امر مؤثر می‌باشند.

واژگان کلیدی: منظر، طراحی منظر، حس مکان، حس تعلق به مکان، شهرهای ساحلی، بوشهر.

- این مقاله از رساله دکتری نگارنده اول تحت عنوان "تدوین اصول و معیارهای طراحی منظر سواحل شهری مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز به راهنمایی دکتر خسرو موحد (نویسنده مسئول) و مشاوره دکتر حامد مضطرزاده استخراج شده است.

۱- مقدمه

سواحل از حوزه‌های با هویت شهرهای ساحلی می‌باشند که بازتابی از شخصیت اجتماعی و هویتی شهرهای ساحلی هستند، لذا کیفیت‌های محیطی این فضای شهری برای شهروندان ایجاد تعلق خاطر نموده و موجب رونق و ارتقای مکان و زندگی شهری می‌شود. همچنین ارتقاء کیفیت بصری و اکولوژیکی محیط و منظر و ارتقاء حس مکان در سازمان فضایی (عرصه عمومی) که نقطه اشتراک تخصص‌های طراحی شهری و معماری منظر می‌تواند تسهیلگر کیفیت مطلوب محیطی و تعریف الگوی منحصربه‌فردی از هویت برای سواحل شهری باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، رشد فزاینده جمعیت شهری و اسکان نزدیک به ۳٫۹ میلیارد نفر معادل ۵۴ درصد از جمعیت جهان در شهرها و تداوم این روند، آینده کره زمین را هرچه بیشتر با چشم‌اندازهای منظر شهری مواجه می‌کند. این فضاها برگزیده سال ۲۰۲۵ میلادی افزون بر ۵ میلیارد نفر جمعیت خواهند داشت که بیش از ۷۰ درصد جمعیت جهان را در برمی‌گیرد (The United Nations, 2014, 1). شتابان شهرنشینی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه است (Zhao, 2010, 237). در سالیان اخیر مطالعات گسترده‌ای در رابطه با حس مکان و معنای تعلق به مکان صورت گرفته است که هریک از طریق بررسی یکی از ابعاد حس مکان به این مهم توجه داشته‌اند. همچنین در خصوص تحقیقات صورت گرفته در زمینه حس مکان، حس تعلق و دلبستگی مکانی باید گفت که تا پیش از دهه ۷۰ میلادی و در مطالعات انجام‌شده در زمینه رابطه انسان و محیط، عملاً به انگاره تعلق و دلبستگی به مکان توجه نشده، اما پس از آن تحقیقات مختلفی در این زمینه انجام شده است. در رشته‌های مختلفی چون جغرافیا، جامعه‌شناسی و معماری منظر سعی در سنجش ارتباط مکان و فرد و نتایج آن در رفتار انسان‌ها نمودند و در این رابطه مفاهیمی چون «دلبستگی به مکان» (Manzo, 2003)، دلبستگی اجتماعی، حس مکان (Tuan, 1974)، «همبستگی اجتماعی»، «وابستگی

۱- پژوهشگرانی همچون راپاپورت (۱۹۷۷)، مور (۱۹۸۵) و اکمن (۱۹۸۶) پژوهشی میدانی در رابطه با مطالعات رفتاری- محیطی انجام دادند. کانون این تحقیق ذهنی و عینی بود و نشان می‌دهد که مردم چگونه محیط ساخته شده را مشاهده و استفاده می‌کنند و این دو چگونه بر هم تأثیر می‌گذارند. رلف (۱۹۷۶)، نوربرگ شولتز (۱۹۸۳) و وایت (۱۹۸۸) مطالعاتی پیرامون مفهوم مکان با رویکرد میدانی و پژوهشی صورت داده و نشان دادند که مردم چگونه محیط اطراف را مشاهده، احساس و استفاده می‌کنند. کنزن (۱۹۶۰)، ولف (۱۹۶۵) و مودون (۱۹۸۶) مطالعاتی پیرامون گونه‌شناسی و ریخت‌شناسی شهر صورت دادند که کانون تحقیق صرفاً به صورت عینی بوده و با رویکردی پژوهشی به بررسی شکل و کالبد فضایی شهر پرداختند (Cuthbert, 2006: 252-255).

به مکان» (Williams, 2003)، «هویت مکان» (Pro- shansky, 1978)، «تعلق و ریشه‌داری» (Tuan, 1980) را تبیین نمودند. عشق به مکان بخش مشترک تاریخ و فرهنگ انسان است. هرچند دانشمندان رفتاری تنها در اواسط دهه ۱۹۹۰ بود که ارتباطات انسان- مکان را به صورت نظام‌مند مورد بررسی قرار دادند (Man- zo & Wright, 2017). اهم رویکردهای مطرح شده در مقوله‌ی حس مکان عبارتند از پدیدارشناسانه، انتقادی و اثباتی. محیط کالبدی و تأثیرات آن بر زندگی روزمره‌ی مردم از مسائلی است که در دهه‌های اخیر از طرف متخصصین بسیاری از جمله «دیوید کاتر»^۲، «فریتز استیل»^۳ و «دیوید سالوسن»^۴ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). براین اساس در نظریه‌ی اصول و معیارهای طراحی نوار ساحلی در راستای ایجاد و تعمق حس تعلق به مکان امری ضروری است؛ که ضرورت این بحث از دو بعد نظری و عملی قابل توجه است: ۱. از بعد نظری مجالی پیرامون بازخوانی و واکاوی مفهوم حس تعلق به مکان دیده می‌شود و همچنین ضرورت کاربردی این پژوهش به ضعف میانی نظری حسن تعلق به مکان و توجه به آن در برنامه‌های ساماندهی و توسعه نوارهای ساحلی در ایران بخصوص سواحل جنوبی با توجه به ویژگی‌های بوم سرزمین برمی‌گردد. براین اساس در این مقاله به بررسی اصول طراحی منظرین در شهرهای ساحلی با تأکید بر ارتقا حس تعلق به مکان پرداخته شده است.

۲- پیشینه تحقیق

در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می‌توان به تحقیق «لالی»^۲ در سال ۱۹۹۲ اشاره کرد که ضمن انجام بحث‌های جامعی بر روی هویت مکان به مباحث مربوط به حس مکان نیز می‌پردازد و ارتباط آن‌ها را با هویت شهری تبیین می‌کند (Lalli, 1992). «براون»^۳ و همکاران به تحقیق درباره دلبستگی به مکان در جوامعی که بر اساس جنبش شهرسازی نوین طراحی شده‌اند، پرداختند (Brown et al, 2004). «گوستافسون»^۴ در سال ۲۰۰۶ با رویکردی جامعه‌شناسی به پژوهش در زمینه قدرت تحرک و دسترسی به حس تعلق و دلبستگی مکانی پرداخته است (Gustafson, 2006). «اسکانل و گیفورد»^۵ در سال ۲۰۱۰ با ارائه یک چهارچوب مفهومی متشکل از انسان، فرآیند و مکان به بررسی و ارزیابی حس تعلق و دلبستگی به مکان پرداخته‌اند (Hernandez

2.Lalli
3.Brown
4.Gustafson
5.Scanel & Gifford

جدول ۱. پیشینه پژوهش با عنوان حس مکان؛ مأخذ: منتظرالحجه و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۵

رلف (۲۰۰۷)	حس مکان، حسی مشترک است از تاریخ محلی و جغرافیا که خود را در ترکیبی از غرور و تعهد به بهبود مکان نشان می‌دهد.
توان (۱۹۷۷)	حس مکان را پیوندی پر محبت و تأثیرگذار میان مردم و مکان‌ها یا قرارگاه‌ها می‌داند و حس مکان شامل واکنش زیستی یا بیولوژیکی به محیط کالبدی بیرونی و آفرینش فرهنگ است.
استیل (۱۹۸۱)	حس مکان را تجربه‌ای چون هیجان و انبساط خاطر در یک قرارگاه رفتاری خاص می‌داند و معتقد است که این روح مکان یا شخصیت فضا است که این احساسات خاص را برمی‌انگیزاند.
لینچ (۱۹۸۱)	حس مکان با هویت در ارتباط می‌باشد و بیان می‌کند که حس مکان گستره‌ای است که شخص می‌تواند یک مکان را به مثابه یک هستی متمایز از مکان‌های دیگر تشخیص دهد و به یاد آورد.
سیمون (۱۹۸۲)	شخصیت مکان مهم‌ترین عامل حس مکان است و یک محیط متمایز و یک حس محلّیت خاص را ایجاد کند.
پانتر (۱۹۹۱)	عوامل تشکیل‌دهنده حس مکان: فعالیت، ساختار فیزیکی و معنا هستند. معیارهای سنجش عوامل فیزیکی و کالبدی را منظر شهری، چشم‌انداز، نفوذپذیری و غیره.
شامای (۱۹۹۱)	حس مکان، تجربه فضا به وسیله انسان است. مکان ترکیبی از انسان و طرح خاصی از محیط کالبدی زندگی اوست که به واسطه حس کردن به ادراک درآمده و تجربه می‌شود. تمایل به مراجعه یا عدم مراجعه، تداوم و پایداری حضور، بهره‌مندی از مکان و مشارکت در فعالیت‌های آن از این حس سرچشمه می‌گیرد.
زو (۱۹۹۵)	حس مکان ترکیب خصیصه‌هایی است که یک مکان را خاص و منحصر به فرد می‌کند و از میراث فرهنگی نواحی حفاظت می‌کند، آگاهی‌های فرهنگی و روابط خویشاوندی را ارتقا می‌دهد.
موننگومری	حس مکان وجه تمایز موفقیت مناطق است و باعث احساس زنده و شادی و نشاط در خلق مکان می‌شوند.
نوربرگ شولتز (۲۰۰۰)	حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند. دارای هویت مکان‌اند و این شخصیت مشخص از چیزهایی ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند، ساخته شده است.
سالواسن (۲۰۰۲)	حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می‌آید. موقعیت، منظر، درهم تنیدگی فردی، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، فضاهای خصوصی و جمعی در خلق حس مکان مؤثرند.
کرومونا و تیزدل	طریقی که مکان‌ها در طول زمان کنترل و مدیریت می‌شوند بر حس مکان تأثیرگذار است.

رویکرد						
بوم‌شناسی - زیبایی شناسی ذهنی	زیبایی‌شناسی عینی و ذهنی	زیبایی‌شناسی ذهنی	بوم‌شناسی - زیبایی شناسی عینی و ذهنی	زیبایی‌شناسی عینی	بوم‌شناسی - زیبایی شناسی عینی	
رویکرد صاحب‌نظران خارجی به منظر شهر						
کتولسیون اروپا (۱۹۹۷) پیر دونادو (۲۰۱۴)	اسپیرن (۱۹۹۸) سایمون سوافیلد (۲۰۰۵)	کوبن لئج (۱۹۶۰) جک ال ناسار (۱۹۹۸) کاپلان‌ها (۱۹۹۸)	سایمون بل (۱۹۹۹) برنارد لاسوس (۲۰۰۲) پان نوسوم (۲۰۱۱)	جان مایلاک (۱۹۹۰) تام ترنر (۱۹۹۹) انجمن معماری منظر آمریکا (۲۰۰۴) فدراسیون جهانی معماری منظر (۲۰۰۴) انجمن آسیایی منظر فرهنگی (۲۰۱۵)		
رویکرد صاحب‌نظران داخلی به منظر شهر						
سید حسن تقوایی (۱۳۴۳)	فرح حبیب (۱۳۸۵)		کوروش گلکار (۱۳۸۳) سید امیر منصوری (۱۳۸۸) کیانوش سوزنجی (۱۳۹۲) بهناز امین زاده (۱۳۹۲)	محسن خراسانی زاده (۱۳۸۳) کامران ذکاوت (۱۳۸۵) جهانشاه پاکزاد (۱۳۸۵) مصطفی بهزادفر (۱۳۸۵) محمدرضا مثنوی (۱۳۹۲)	محسن فیضی (۱۳۸۷) حسنعلی لغایی (۱۳۹۰) مجتبی نصاری (۱۳۹۳)	
ترکیبی	کالبدی و ادراکی	ادراکی	ترکیبی	کالبدی	ترکیبی	

نمودار ۱. رویکرد صاحب‌نظران داخلی و خارجی به منظر شهر؛ منبع: یافته‌های تحقیق.

ادراک محیط است که به نوبه خود دارای فرم، عملکرد و معناست» (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). در مورد اهمیت آن گفته شده است: «اصولاً طراحی شهری مدیریت منظر شهری (منظر عینی و ذهنی) است» (گلکار، ۱۳۸۵، صص ۳۸-۴۷). راسکین معتقد است منظر شهری بیش از یک مسئله برنامه‌ریزی و طراحی شهری است و در درجه نخست مسئله ارزش‌ها، اهداف انسانی و به رسمیت شناخته شدن مسئولیت‌های اجتماعی توسط آحاد جامعه است (گلکار، ۱۳۸۵). بررسی جداگانه سه بعد معنایی، عملکردی و کالبدی (فرمی) شهر نشان می‌دهد که سابقه مطالعات و برنامه‌های توسعه شهری، معطوف به دو بعد عملکردی (برنامه‌ای) و کالبدی (طراحی) آن است. آنچه به‌عنوان بعد معنایی شهر مورد توجه بوده بیشتر معطوف به حفظ نمادهای تاریخی یا وجه کالبدی غالب بوده و نتوانسته مؤلفه‌های به وجود آورنده معنای شهر را به دقت تشخیص دهد (منصوری، ۱۳۸۳، ص ۳۲). بر این اساس شکل شهر نیز در لایه منظر شهری به کیفیت محسوس تبدیل می‌شود؛ یعنی منظر شهر عینیت قابل ادراک و فضای مورد ادراک ما از واقعیت موجود شهر پیرامون ماست (حبیب، ۱۳۸۵). از ویژگی‌های اصلی مفهوم منظر شهری آن است که به‌عنوان یک پدیده «عینی - ذهنی»، «انسانی - کالبدی» و یک ساختار «اجتماعی - فضایی» مطرح می‌گردد (ذکاوت، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

«لویکا»^۱ در تحقیقی پیمایشی که در لهستان و اوکراین انجام داد بین دلبستگی سنتی (مکان به ارث برده شده) و دلبستگی فعال (مکان کشف شده) تمایز قائل می‌شود (Lewicva, 2011). برخی صاحب‌نظران معتقدند حس مکان دربرگیرنده سه مؤلفه است؛ ۱. هویت مکان، ۲. دلبستگی به مکان و ۳. وابستگی به مکان (Magalhaes, 2006). «کرمونا»^۲ خصوصیات مکان‌های عمومی موفق که منجر به ایجاد احساسات و دلبستگی به مکان می‌شود را در داشتن آسایش و «تصویر ذهنی»^۳، دسترسی و پیوستگی، تنوع فعالیت‌ها و معاشرت‌پذیری می‌داند (Carmona, 2010). به عقیده «شولتز»^۴، حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت، رنگ، مقیاس، تنوع، چشم‌انداز و برجستگی است (Shultz, 2011).

۳- ادبیات نظری

۳-۱ منظر شهری

در تعریف مفهوم منظر شهری گفته شده است: «منظر شهری آن بخش از محیط یا فرم شهر است که بر روی کنش و واکنش شخص و نتایج اعمال وی مؤثر است. در منظر شهری است که بخشی از اطلاعات بالقوه محیط به کیفیتی مستقیماً محسوس (اطلاعات بالفعل) تبدیل می‌شود. بدین ترتیب منظر شهری جنبه عینی یا قابل

1. Lewica
2. Carmona
3. Mental Image
4. Shultz



نمودار ۲. اصول طراحی منظر پایدار؛ مأخذ: پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۷.

جدول ۲. چارچوب‌های کمی و کیفی طراحی منظر پایدار؛ مأخذ: بمانیان و احمدی، ۱۳۹۳

چارچوب				کمی
THOMPSON	رشد هوشمند	SANBORN	ANDROPOGON	LEED
<p>سالم نگه داشتن محل‌های سالم؛ بهسازی محل‌های آسیب‌دیده؛ نگهداری از مواد قابل تغییر و زنده</p> <p>محترم شمردن آب‌های حیات؛ در نظر گرفتن سرنوشت و منشأ مواد؛ دانستن هزینه‌های انرژی در گذشت زمان</p> <p>تقدیس روشنائی، تکریم تاریکی</p>	<p>حدود خانه‌سازی؛ محلات قابل پیاده‌روی؛ همکاری گروگذار و انجمن؛ انجمن‌های جذاب مستقل با حس مکان؛ تصمیمات مربوط به توسعه قابل پیش‌بینی، منصفانه و مقرون به صرفه است.</p> <p>اختلاط کاربری‌های زمین؛ حفظ فضای باز در مناطق حساس تنوع حمل و نقل</p> <p>توسعه جدید در مکان‌هایی که توسعه زیربنایی موجود صورت می‌گیرد.</p>	<p>محیط داخلی سالم برای ساکنین؛ بهداشت اکولوژیکی تنها به لحاظ اجتماعی؛ خلاقیت فرهنگی؛ زیبایی؛ قابلیت دسترسی به لحاظ فیزیکی و اقتصادی</p>	<p>ایجاد یک فرایند طراحی مشارکتی حفظ و استقرار مجدد الگوهای منظر</p> <p>تقویت زیربنای طبیعی؛ حفظ منابع؛ ایجاد عادت تجدید؛ ارزیابی راه‌حل‌ها بر اساس بافت بزرگ‌تر آن‌ها؛ ایجاد راه‌حل‌های نمونه بر مبنای فرایندهای طبیعی؛ ایجاد تنوع زیستی؛ بهسازی زمین‌های متروک؛ ادغام محافظت تاریخی و مدیریت اکولوژیکی؛ گسترش یک برنامه مدیریت منظر کنترل شده و بالا بردن زیبایی اکولوژیکی</p>	<p>محل‌های پایدار کارایی آب؛ انرژی اتمسفر؛ مواد و منابع؛ کیفیت هوای داخلی؛ فرایند طراحی و نوآوری</p>

۲-۳ شهر ساحلی

مناطق ساحلی در سراسر جهان ارائه‌دهنده شرایطی ایده آل برای اسکان، کشاورزی، صنعت، حمل‌ونقل و ارتباطات بوده و از پویاترین منابع اکولوژیکی و بستر عظیم فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی می‌باشند (یگانه محلاتی، ۱۳۸۹، ص ۱). مطابق آمارهای موجود حدود ۳ میلیارد نفر، کمتر از نیمی از جمعیت جهان در فاصله ۲۰۰ کیلومتری از خط ساحلی زندگی کرده که مطابق پیش‌بینی‌ها این تا سال ۲۰۲۵ این رقم با رشد دو برابری مواجه خواهد شد (Hinrichsen, 2003, 26-27). در عین حال، متوسط تراکم جمعیتی در مناطق ساحلی حدود ۸۰ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد که قریب به دو برابر مقدار متوسط جهانی است (Brown et al, 2013, 118). این روند رو به رشد افزایش جمعیت، رشد فزاینده شهری شدن و شهرنشینی را در این مناطق به دنبال داشته است. بسیاری از مناطق دریایی به سرعت تبدیل به نواحی شهری شده‌اند، به گونه‌ای که ۱۰،۲ زمین‌های شهری دنیا و شهرهای بزرگ را در خود جای داده‌اند. ۱۴ شهر از ۱۷ شهر بزرگ دنیا در مناطق ساحلی قرار دارند که ۱۱ تای آن‌ها شامل شانگهای، بانگکوک^۲ و جاکارتا^۳ در آسیا قرار دارند. مضافاً آنکه ۴۰ درصد شهرهای جهان با جمعیت ۱ تا ۱۰ میلیون نفر در نواحی ساحلی قرار دارند (Vernberg and Ver-berg, 2001, 61-74). شهرهای ساحلی دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند که در لایه‌های مختلف فضا نسبت به شهرهای دیگر شکننده‌تر بوده و دارای محدودیت‌های بیشتری می‌باشند. لذا «ناحیه ساحلی» عبارت است از: نوار خشک زمین و مجاور فضای آبی که به‌طور مستقیم بر فرآیندهای زمینی و کاربری‌های زمین و بر فرآیندها و کاربردهای آبی اثر می‌گذارد. شهرنشینی مناطق ساحلی را به دو طبقه اصلی تقسیم می‌کند که عبارت است از: نواحی ساحلی با تراکم بالای کاربری اراضی و نواحی ساحلی با تراکم پایین ساختمانی و جمعیتی، تفاوت اصلی این دو طبقه در نقش اقتصادی آن‌ها است. در سواحل پراکندگی شهری جدید به‌طور ویژه‌ای به‌صورت خطی توسعه می‌یابند. پدیده ساحل تأثیر مستقیم بر بهبود سیستم‌های حمل‌ونقل، کاهش استانداردهای زندگی و اهمیت فعالیت‌های توریستی دارد و اثرات منفی تنوع زیستی ساحل را تقاضای منابع آب و تولید ضایعات و آلودگی افزایش می‌دهد (دیوسالار و شیخ اعظمی، ۱۳۹۰، ص ۴۶) و (Barbier, 2014).

۳-۳ ضوابط طراحی و توسعه شهرهای ساحلی

در رابطه با ضوابط خاص شهرهای ساحلی می‌توان اشاره داشت که در این خصوص همایش عمومی بین‌المللی UIA (شهرهای کناره دریا و مناطق ساحلی توریسم و توسعه در سال ۲۰۰۷) در شهر «کاوالا یونان» برگزار شد. نکات ذیل اشارات کلیدی به طراحی در محیط‌های تاریخی شهرهای ساحلی دارد:

۱. ارزش استراتژیک محدوده‌های کناره آب برای رشد کل شهر؛ الف: پاسخی به نیاز گسترش شهر در محدوده مرکزی؛ ب: راحتی از نظر کیفیت و کمیت در تقابل با نتایج منفی گسترش شهر در حومه.
۲. فاکتور موقعیت شاخص کناره آب در شهر؛ الف: به مراکز شهر بسیار نزدیک‌اند حتی اگر در گذشته دسترسی مشکل بوده است و ب: بازیافت کناره آب به معنای فراهم کردن فضاهایی برای معرفی فعالیت‌های جدید است؛
۳. تاریخچه غنی از زیرساخت‌ها و ساختمان‌های قدیمی؛ الف: ترمیم ساختمان‌های قدیمی با ارزش و تخصیص کاربری جدید و ب: حفظ و نگهداری هویت اصلی مجموعه؛
۴. ایجاد تماس مستقیم با آب؛ الف: دسترسی آزاد مردم به کناره آب و ب: آب به‌عنوان منبعی با ارزش دیده می‌شود و ج: آب عنصری مثبت برای کیفیت جدید شهری است؛
۵. ارزش سمبلیک و با شکوه کناره آب؛ همچنین درخلال کنفرانس جهانی آینده شهرها و نمایشگاه ۲۰۰۰ در برلین، ۱۰ معیار برای توسعه پایدار محدوده‌های کنار آب تصویب شد؛
۶. حفظ کیفیت آب و محیط‌زیست: کناره آب بخشی از استخوان‌بندی اصلی شهر است؛
۷. اولویت دادن به کاربری‌های مختلط؛ دسترسی عمومی شرط لازم است چه به لحاظ بصری و چه به لحاظ فیزیکی و برنامه‌ریزی با مردم و برای مردم به فرایند اجرا سرعت می‌بخشد؛
۸. مشارکت عمومی عنصر کلیدی و پایدار است و توسعه کناره آب فرایندی طولانی‌مدت است و کناره آب از ارتباطی بین‌المللی منتفع گردد (پورجعفر، ۱۳۹۲، صص ۵۹-۶۰).

در خصوص طراحی در محیط‌های سواحل شهری، مبانی ذیل به‌عنوان استراتژی‌های طراحی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

1. Shanghai
2. Bangkok
3. Jakarta

جدول ۳. استراتژی‌های طراحی نوار ساحلی؛ مأخذ: کرامر- بریتلینگ، ۱۳۹۳، ص ۹۰

مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم	مرحله پنجم
طراحی با تاریخ	تعریف عملکرد مناسب	مدرن سازی	انطباق	بیان معمارانه
-	مداخله‌های حساس	-	جایگزینی	همخوانی
-	-	-	-	پیوند و بازنمایی

جدول ۴. مؤلفه‌های طراحی ساختار جدید شهرها؛ مأخذ: شاه رادول، ۱۳۹۲، ص ۴۰

عوامل مؤثر در خصوصیت زمینه تاریخی جهت طراحی ساختار جدید				
کاربری	موقعیت قرارگیری	مقیاس	شکل	مصالح و جزییات

۳-۴ حس مکان

تحقیقات در رابطه با مکان، با سنجش واکنش‌های هیجانی (احساسی) پیش رفته و احساسات همواره با فاکتورهای فیزیکی پیوند خورده است (Brown et al, 2016, 162). «سیرکوس» (۲۰۰۱، ۳۱)، حس مکان را به یک مارک کالا تشبیه می‌کند که نشان‌دهنده یکسری توقعات در رابطه با کیفیت، پایداری و قابل اعتماد بودن مکان می‌باشد (Carmona, 2007, 102)، به نقل از کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، ص ۴۵). حس مکان به‌عنوان ارتباط بین انسان و مکان است که در این مفهوم پیوندهای اجتماعی و روانی بین افراد در یک مکان و بین مکان و انسان مورد توجه قرار می‌گیرد که این حس دارای ابعاد فیزیکی، روانی و اجتماعی می‌باشد (Francis et al, 2012). به نقل از نوروزیان ملکی و امیدی، ۱۳۹۹، ص ۸۹). اهم رویکردهای مطرح شده در مقوله حس مکان عبارتند از: پدیدارشناسانه، اثباتی و انتقادی که عمده تلاش‌ها در این زمینه در حوزه پدیدارشناسی صورت گرفته است (مدیری، ۱۳۸۷، ص ۶۹ به نقل از قشقایی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۴۴۳). در ساده‌ترین تعریف، حس مکان، توانایی تشخیص و درک ویژگی‌های متفاوت مکان‌ها و برقراری ارتباط با آن، متناسب با درک این تفاوت معرفی شده است. به‌طور مثال می‌توان به سطوح هفت گانه پیشنهادی رلف از تجربه حضور در مکان و یا مقیاس هفت سطح پیشنهادی شامای (۱۹۹۱) برای سنجش سطوح حس مکان اشاره کرد (شاهین راد و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۲۱). مطالعات مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسانه، طول و عرض تجربه در محیط، تحرکات و تعاملات اجتماعی را دستمایه‌ی ارائه تعاریف حس مکان قرار داده‌اند (مظلومی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). در حوزه علوم رفتاری نیز حس تعلق نتیجه فضایی مطلوب است و

ارتقاء آن در نهایت منجر به افزایش کیفیت زندگی افراد استفاده‌کننده از فضا نیز خواهد شد (قیاسی و صرافی گهر، ۱۳۹۵، ص ۱۶۶). برخی پژوهشگران بر اساس رویکرد روانشناسی محیط، حس مکان را ترکیبی از دو مفهوم اصلی و مکمل، شامل دلستگی به مکان و معنای مکان تعریف کرده‌اند (شاهین راد و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۲۱) و آن را مفهومی چندبعدی شامل هر سه بعد احساسی، شناختی و رفتاری تعریف می‌کند. رویکرد اثبات‌گرا که عمدتاً به رفتارشناسان محیطی منتسب شده‌اند، با به آزمون گذاشتن فرضیات سنتی و نیز با روش‌های کمی و متغیرهای قابل سنجش و اندازه‌پذیر شناخته شده‌اند (مظلومی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). نظریه اثبات‌گرایی معتقد است که حس مکان فقط یک کیفیت محیطی نیست بلکه یک فرایند شخصی و اجتماعی است که فضاها به مکان تبدیل می‌شود (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، صص ۱۲۴-۱۲۳).

۳-۵ ساختار حس مکان

دیدگاه کلی نظریه‌پردازان در ساختار حس مکان، بیشتر در سه شاخه تمرکز داشته است: ۱. فعالیتی که در مکان قابل روی دادن است؛ ۲. ویژگی‌های کالبدی آن مکان؛ و ۳. ادراک کاربر از مکان. «کانتور» در کتاب "روانشناسی مکان" بیان می‌دارد: مکان، برآیند روابط بین کنش‌ها، تصورات و خصایل کالبدی است؛ بنابراین ما مکان مدنظرمان را کاملاً شناسایی نخواهیم کرد مگر آن که بدانیم: الف) در مکانی معلوم، توقع انجام چه رفتاری می‌رود یا رفتار وابسته به آن مکان چیست؟ و ب) پارامترهای کالبدی آن جایگاه کدامند؟ و ج) توصیفات یا تصورات آدمیان از آن در خصوص رفتار در آن محیط

I. David Canter, Psychologist

کالبدی چیست؟ (کانتز، ۱۳۹۲، ص ۲۵۸). «جورجنسن و استدمن»، ساختار حس مکان را چندبعدی تعریف نموده که شامل: ۱. بعد شناختی: اعتقادات و باورهای درباره خود و مکان (هویت مکان)؛ ۲. بعد عاطفی: ارتباط احساسی با مکان (تعلق به مکان)؛ و ۳. بعد رفتاری: ویژگی‌های منحصربه‌فرد رفتاری مکان (وابستگی به مکان) (Jorgensen and Stedman, 2001, 244). دیدگاه کلی اندیشمندان در حوزه حس مکان و عوامل شکل‌دهنده به آن در جدول زیر به گردآوری شده است:

۳-۶ حس تعلق به مکان

حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۵۷) از دیدگاه جغرافی‌دانان و برنامه ریزان شهری، شناسایی عوامل اصلی حس مکان، اندازه‌گیری و ارتقای آن‌ها می‌تواند طراحی محیطی را بهبود بخشد و این اطمینان حاصل شود که محیط به ارتقای حس مکان کمک می‌کند و یا باعث پایداری و افزایش قابلیت سکونت می‌شود. حس مکان همچنان نقش مهمی در توسعه مجدد شهر و طراحی محیط جامعه‌محور ایفا می‌کند (Chen and Sekar, 1999). دو رویکرد اساسی در حس مکان و احساس تعلق به مکان وجود دارد: رویکرد اول پدیدارشناختی است و در آن حس مکان به منزله مکان در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد حس مکان در تعریفی که به تعریف خود مکان نزدیک است، به معنای ویژگی‌های غیرمادی مکان و مفهومی نزدیک به روح مکان به حساب می‌آید. در رویکرد روان‌شناختی به مکان، ساختار مکان با فرایندهای محیطی - روان‌شناختی مربوط به آن چارچوب تحلیل را تشکیل می‌دهند که از آن برای قرارگاه رفتاری یا مکان - رفتارها استفاده شده است. ساختار مکان به منزله بخشی از محیط جغرافیایی که ابعاد فردی و اجتماعی، ویژگی‌های کالبدی - فضایی، فعالیت‌ها و تجربیات یا معانی شناختی و ارزیابانه را در خود دارد (Relph, 1976). به‌طور کلی عوامل شکل‌دهنده حس تعلق را می‌توان به چهار دسته کلی به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف- عوامل ادراکی و شناختی؛ مکان‌ها در افراد مختلف حس‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند و نقش شخصیت و تجارب گذشته انسان‌ها در دریافت این حس مؤثر است. فضایی که در فرد حس مکان و تعلق ایجاد می‌کند دیگر برای او فضا نیست و تبدیل به یک مکان می‌شود. در این صورت مکان کلیتی می‌شود که مردم

تمام فعالیت‌ها و اتفاقات را با آن بشناسند (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۶۲). نام مکان‌ها از جمله چیزهایی است که انسان را با قلمرو مرتبط می‌سازد (رلف، ۱۳۸۹، ص ۲۲). محیط‌هایی با خوانایی و واجد نمادهای آشنا ضمن داشتن تمایز کالبدی، با ادراک و شناخت و لذا قضاوت بهتری از سوی انسان همراه است (قشقایی، موحد و محمدزاده، ۱۳۹۷).

ب- عوامل اجتماعی؛ حس تعلق به اجتماع نیز از عوامل مؤثر در ایجاد حس مکان است چنانکه هامن حس مکان را شامل تعلق به اجتماع و حس محلی تعریف کرده است (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۶۳). این حس شامل پویایی و پیوندهای مثبت ماندگار بین مردم و شرایط کالبدی اجتماعی ارزشمندی مانند خانه است (Brown, perkiness & Brown, 2003: 259). حس تعلق اجتماعی، احساس امنیت و تعلق را با خود به همراه دارد و به‌صورت عکس نیز، احساس امنیت می‌تواند موجب افزایش حس تعلق اجتماعی شود (Chavis 1996: 635). فقدان احساس امنیت موجب می‌شود ساکنان خود را از مکان‌های عمومی و رویدادهای محلی دور نگه دارند و سبب کاهش حس تعلق اجتماعی می‌شود (Greenberg & Rohe, 2005: 48).

پ- عوامل کالبدی - فضایی؛ در این دسته از عوامل کالبدی به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء، به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری حس مکان یاد می‌شود. عناصر کالبدی به‌واسطه ایجاد تمایز محیطی و منظره شاخص به ایجاد حس مکان می‌پردازد (قشقایی، موحد و محمدزاده، ۱۳۹۷). سه قطب کالبدی، معنا و فعالیت در مثلث مکان کرمونا تأثیر بسزایی در تبدیل یک فضا به مکان و ایجاد حس مکان دارند. باتوجه به این امر می‌توان عوامل ارتقا خوانایی، ارتقا سطح ایمنی و امنیت در محله و افزایش میزان حضورپذیری را در ایجاد حس تعلق دخیل دانست (مرادی موسوی و فنائی، ۱۳۹۷).

۳-۷ انواع حس تعلق به مکان

«جان پانتر» سه معیار کالبدی، فعالیت و معنی را در ایجاد حس مکان مؤثر دانسته که با معیارهای پیشنهادی کانتز شامل کالبدی، فعالیت‌ها و تصورات تشابه دارند (Punter, 1991). تأثیر متقابل میان ارزش‌های فردی و جمعی و حس مکان باعث می‌شود تا افراد در فعالیت‌های اجتماعی بر اساس حس مکانشان شرکت کنند (Canter, 1971: 3). حس تعلق به مکان، یکی از روش‌های ایجاد و افزایش ارتباط میان فرد با محیط است که باعث می‌شود فرد به آن محیط علاقه‌مند شود و خواستار بازگشت به محیط باشد (نکوئی، مؤمنی، عطائیان، ۱۳۹۶).

جدول ۵. دیدگاه اندیشمندان به حس مکان و ساختار حس مکان؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

اندیشمندان	دیدگاه کلی "حس مکان"	عوامل شکل‌دهنده حس مکان
توان (۱۹۷۴)	مکان دوستی، پیوندی پرمحبت و تأثیرگذار میان مردم و مکان (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۲۳).	شخصیت مکان و حضور فرد (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۲۳).
ادوارد رلف (۱۹۷۶-۲۰۰۷)	ادراک و قضاوتی بر مبنای رمزگشایی از معانی در ذهن فرد شکل می‌گیرد، منجر به خلق حس مکان می‌گردد (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳).	ساختار کالبدی، فعالیت، معنا (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳). ارزش‌های فردی و جمعی، انتظارات اولیه، تجربیات، نیات و مقاصد انسان، روح مکان، زمان، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان-مکان و انسان-انسان، تحریک‌کننده (محرک بینایی، شنوایی، بویایی، حرکت، لامسه، حافظه، تصور و پیش‌بینی) (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۴۸).
فریتز استیل (۱۹۸۱)	شامل احساسات، ادراکات، رفتارها، نتایج و برآمدهایی است که در ارتباط با چیزی است که در آن موقعیت قرار داشته و با آن یکی شده است (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳).	عوامل کالبدی، شخصیت مکان، چگونگی تجربه مکان (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳). اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری، هویت، تاریخ، تخیل و توهّم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره (قشقایی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶۶).
کوبن لینچ (۱۹۸۱)	عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد (ملکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳). گستره‌ای است که شخص می‌تواند یک مکان را به مثابه یک هستی متمایز از مکان‌های دیگر تشخیص دهد و به یاد آورد (منتظرالحجه و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۵).	هویت قابل ادراک فضا، قابل شناسایی بودن فضا، به یاد ماندنی بودن (ملکی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۰۳). ساختار یا جهت‌یابی، سازگاری، شفافیت و خوانایی (قشقایی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶۶).
نوربرگ شولتز (۱۹۸۱)	مشخص و متمایز هستند؛ حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت هستند (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳).	رویدادها و حوادث، مصالح، شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۴۸). سابقه سکونت و ساختار، معنا‌یابی، (تصور محیطی، ادراک و جهت) (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۲۳).
یان زو (۱۹۹۵)	ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه‌هایی از کیفیت خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارند (ملکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳).	نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها، پیوند افراد با مکان مانند: حکایات مربوط به مکان، تجربه‌های مکان، پیوندهای معنوی با مکان (ملکی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۰۳). سه متغیر اصلی حس مکان را خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری می‌داند (قشقایی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶۶).
جینفر کراس (۲۰۰۱)	ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳).	نوع رابطه با مکان (زندگینامه‌ای، معنوی، ایدئولوژیک، داستانی، مطلوب و وابسته) (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، ص ۴۹-۴۸). ساختارهای معنایی، هویت مکان (دانش‌پایه و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۲۳).
سالواین (۲۰۰۲)	از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی (ملکی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳).	شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین، وسایل رفاهی، طبیعت (آب، گیاهان، آسمان، خورشید)، فضاهای خصوصی و جمعی (درجه محصوریت) (ملکی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۰۳).
مونتگومری (۱۹۹۸)	وجه تمایز موقعیت مناطق است و باعث احساس زنده و شادی و نشاط در خلق مکان می‌شوند (منتظرالحجه و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۵).	سرزندگی و تنوع (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۴۸).
شامای (۱۹۹۱)	تمایل به مراجعه یا عدم مراجعه، تداوم و پایداری حضور، بهره‌مندی از مکان و مشارکت در فعالیت‌های آن از این حس سرچشمه می‌گیرد (منتظرالحجه، ۱۳۹۵، ص ۴۵).	تجربه افراد، نگرش‌ها، رفتار افراد و مشارکت (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۴۸).
پانتز (۱۹۹۱)		ساختار فیزیکی: منظر شهری، چشم‌انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت و مبلمان شهری (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۴۸). فعالیت: کاربری‌ها، میزان تردد پیاده، میزان تردد سواره، الگوهای رفتاری، محیط مصنوع و خوانایی (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۴۸). معنایی: مناسبات فرهنگی، عملکردهای ادراکی و ارزیابی کیفی (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، صص ۴۹-۴۸).
کریستوفر الکساندر	نظامات زنده (قشقایی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶۶).	مقیاس‌های مختلف، مراکز نیرومند، مرزها، تکرار متناوب، فضای معین، شکل خوب، تقارن موضعی، انسجام و ابهام عمیق، درجه‌بندی (مرتبه بندی)، ناهمگونی، پژواک، سادگی و آرامش درونی، فضای خالی (تهی) و جدایی‌ناپذیری (قشقایی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۶۶).

جدول ۶. انواع حس تعلق؛ مأخذ: نگارندگان.

<p>وابستگی به مکان و یا تعلق عملکردی به موضوع توانایی مکان برای توانمندسازی انسان برای رسیدن به اهداف و فعالیت‌های موردعلاقه‌شان اشاره دارد. اگر ما روابط مداومی با مکان داشته باشیم به‌وسیله سکونت یا دیدارهای متوالی و آن مکان از اهداف ارزشمند ما حمایت کند، ما نسبت به مکان حس تعلق پیدا می‌کنیم (Livingston, Baily, & Kearns, 1995: 10).</p>	<p>تعلق عملکردی</p>
<p>حس تعلق عاطفی به مکان، به احساسات و حالات و عواطف مردم به مکان خاصی اشاره دارد. تیلور و شوماخر تعلق را این‌گونه تعریف می‌کنند: حس یک پیوند مؤثر مثبت یا وابستگی بین افراد و محیط‌های سکونتی‌شان (Livingston, Baily, & Kearns, 1995: 11). کنشگر اجتماعی در این حالت از عضویت در جامعه احساس مطلوب دارد و حاضر به ترک جامعه نیست (صادقی جعفری، یزد خواستی، اجتهادی، ۱۳۹۷، ص ۱۳).</p>	<p>تعلق عاطفی</p>

جدول ۷. معیارهای مربوط به ایجاد حس مکان؛ مأخذ: نگارنده بر اساس منابع مورد اشاره.

منابع پشتیبان	معیارها	نظریه پرداز	معیارهای مربوط به ایجاد حس مکان
Schulz 1981	رودادها و حوادث، شکل‌ها، مصالح، رنگ‌ها و بافت‌ها	شولتز	
Rapaport, 1990	نمادها، سمبل‌های کالبدی، سمبل‌های اجتماعی، سمبل‌های فرهنگی	راپاپورت	
Punter, 1991	ساختار فیزیکی، فعالیتی و معنایی (مناسبات فرهنگی، عملکردهای ادراکی)	پانتز	
Lynch, 1984	خوانایی، خاطرات جمعی، عناصر کالبدی (راه، لبه، نشانه، گره)، هویت، معنی، دسترسی، تناسب، سرزندگی	لینچ	
Relph 2008; 2007	ارزش‌های فردی و جمعی، انتظارات اولیه، تجربیات، نیت انسان، روح مکان، زمان، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان - مکان و انسان - انسان	رلف	
فلاحت و همکاران	ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی، ویژگی‌های محیطی، تجربه‌های ذهنی، زمینه‌های عینی و بیرونی محیط	فلاحت و همکاران	

۳-۸ سطوح مختلف حس مکان

«شامای» برای حس مکان هفت سطح ارائه نموده است. این سطوح از حس مکان کاربرد فرآیند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی‌تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را شامل می‌شود (Shamai, 1991: 344). سطح بندی حس مکان برپایه نظریه شامل سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دل بستگی به مکان و تعهد به مکان است که با هفت سطح بی‌تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دل بستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان و فداکاری برای مکان تعیین شده است (Shamai, 1991: 348).

جدول ۸. سطوح حس مکان؛ مأخذ: نگارنده بر اساس منابع مورد اشاره.

توضیحات	سطوح
این سطح اغلب در ادبیات حس مکان مورد توجه نیست ولی در سنجش و ارزیابی حس مکان مورد استفاده قرار می‌گیرد (فلاحت ۱۳۸۵، Shamai, 1991)	بی تفاوتی نسبت به مکان
شامای مفهوم آشنایی را به عنوان سطحی از سطوح اولیه شکل‌گیری حس مکان با نام آگاهی از قرارگیری در مکان معرفی نموده است (Shamai 1991). در این سطح شخص متمایز بودن و نمادهای مکان را تشخیص می‌دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این سطح فرد ممکن است مستقر بودن در مکان را بداند ولی نمی‌داند که بخشی از آن مکان است (فلاحت ۱۳۸۵).	آگاهی از قرارگیری در مکان
حس تعلق به مکان در راستای استمرار حضور فرد در مکان نقش بسزایی دارد (احمدی و همکاران ۱۳۹۳؛ فلاحت ۱۳۸۵). حس تعلق به مکان از عوامل مهم ارزیابی ارتباط انسان- محیط (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰) سبب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد می‌شود (فلاحت ۱۳۸۵). در سطح تعلق به مکان فرد نه تنها از نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن دارد. در این حالت نمادهای مکان محترم و آنچه برای مکان رخ می‌دهد برای فرد اهمیت دارد (Sun Hua, 2010)	تعلق به مکان
دل‌بستگی به مکان مفهومی چندبعدی و پیچیده به پیوندهای احساسی و عاطفی میان کاربران، مخاطبان با مکان تأکید دارد و مبنایی برای درک فرد و گروه نسبت به مکان است. (Altman and Low, 1992)	دل‌بستگی به مکان
این سطح بیانگر پیوستگی فرد با نیازهای مکان است، فرد اهداف مکان را تشخیص داده، منطبق شده و از آن‌ها پیروی می‌کند به طوری که شور، عشق، حمایت و از خودگذشتگی نسبت به مکان وجود دارد (فلاحت ۱۳۸۵).	یکی شدن با اهداف مکان
حضور انسان در مکان در راستای چگونگی تجربه آن، بسیار تعیین کننده هست. این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است، توجه دارد (فلاحت، Shamai, 1991 ۱۳۸۵).	حضور در مکان
آمادگی برای رها کردن علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگ‌تر نسبت به مکان وجود دارد (Shamai 1991) و فداکاری‌هایی در جهت گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد (فلاحت ۱۳۸۵).	فداکاری و وفاداری برای مکان

۳-۹ هویت مکان

مفهوم روان‌شناختی هویت مکانی اولین بار توسط «هارولد پروشانسکی» مطرح شد. هویت مکان، درک افراد از هویت خود در ارتباط با محیط کالبدی تعریف شده است (Proshansky, 1978). به‌طور کلی این مؤلفه به واسطه الگوی ایده‌های خودآگاه و ناخودآگاه، باورها، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و تمایلات رفتاری مرتبط با محیط شکل گرفته است. دل‌بستگی به مکان، ارتباط عاطفی پیچیده بین مردم و مکان که فراتر از شناخت، اولویت و قضاوت است. مؤلفه سوم، وابستگی به مکان، وابسته به ادراک افراد است (چه مثبت چه منفی) (Lewika, 2008: 54). «رلف» بر پایه مطالعات «لینچ»، هویت مکان را تشخیص یا تمایز مکانی می‌داند که پایه شناخت آن به‌عنوان یک کل متمایز باشد (Relph, 1976: ۴۵). «هویت مکان» اساسی‌ترین مفهوم مرتبط با بعد شناخت‌شناسی دل‌بستگی به مکان می‌باشد؛ بنا به اظهارات فلدمن هویت یک محل عبارتست از الگوهایی آگاهانه و ناآگاهانه از احساسات، اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و تمایلات رفتاری

که هویت فرد را با هویت یک محل مرتبط می‌سازد و تمایلاتی برای برقراری ارتباطات آتی با مکان ایجاد می‌کند (Feldman, 1990: 183).

۴- بیان یافته‌های تحقیق

تحقیق بنا به ماهیت «کاربردی» است، در مرحله ادبیات نظری از روش «فرا تحلیل» در مرحله جمع‌بندی پیشینه نظری و روش «توصیفی-تحلیلی» در بررسی ادبیات تحقیق بهره برده است. همچنین در راستای سنجش عوامل حس مکان بر توسعه سواحل شهری در بوشهر نیز از روش پیمایشی استفاده شده است. لذا در این تحقیق ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. بدین منظور پس از انجام مطالعات نظری و تدوین ادبیات و پیشینه تحقیق از طریق انجام مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در پایگاه‌های داده‌های منتشره و مرور مستندات موجود مرتبط با موضوع مورد تحقیق، پرسشنامه‌ای با سؤالات پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) توسط محقق طراحی گردید. به‌منظور سنجش پایایی سؤالات پرسشنامه از نرم‌افزار Spss₂₅ و تکنیک ضریب آلفای کرونباخ استفاده

شده است. جامعه آماری شامل شهروندان استفاده‌کننده از ساحل بوشهر بوده که حجم نمونه با فرمول کوکران به تعداد ۳۹۸ نفر انتخاب شده است. با جمع‌بندی مبانی نظری مؤلفه‌های موردنظر منظر شهری برای ارتقا حس تعلق به مکان به شرح جدول زیر است.

جدول ۹. مقدار آلفای کرونباخ شاخص‌های تحقیق؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

مؤلفه	شرح مؤلفه
عوامل محیطی	بهره‌گیری از پوشش گیاهی مناسب و استفاده از گونه‌های بومی جهت تعدیل دما و رطوبت؛ فراهم بودن امکان دسترسی به آب در محدوده ساحل؛ وجود شرایط آسایش اقلیمی جهت استفاده در ساعات مختلف روز؛ غنای حسی از طریق استفاده از حواس؛ حفظ شخصیت صخره‌ای و شنی ساحل در مجاورت آب؛ کف و دیواره‌های اطراف ساحل از مصالح بومی همسو با حفظ محیط‌زیست
موقعیت مکان	اتصال ساحل به استخوان‌بندی شهری (بافت‌های همجوار) با دسترسی مناسب؛ امکان دسترسی به خدمات شهری و تسهیلات و امکانات رفاهی؛ طراحی منعطف و خلاقانه لبه و بدنه ساحل و ترکیب با بستر طبیعی ساحل؛ وجود پارکینگ مناسب جهت توقف درازمدت در محدوده؛ پیوند میان بافت تاریخی مجاور و بناهای بالارزش مجاور با لبه آب؛ ساحل دارای سبک معماری اصیل و با هویت.
تنوع فضایی	وجود بسترهای لازم جهت استفاده گروه‌های مختلف سنی؛ وجود مبلمان مناسب شهری جهت استفاده فعالیت‌های مختلف در فضا؛ وجود بستر مناسب جهت فعالیت‌های مرتبط با آب؛ وجود تنوع در ارایه خدمات تجاری و تفریحی؛ فضای ساحلی برای بروز رفتارهای جمعی؛ قابلیت تجمع پذیری؛ امکان حضور در عرصه‌های عمومی در ساعات مختلف شبانه‌روز؛ حفظ کرپودرهای بصری دید به لبه آب و نشانه‌های بصری؛ قابل رؤیت بودن و قرائت پذیری فعالیت‌ها و فضاها با ایجاد وضوح بصری.
مقیاس انسانی	وجود مقیاس انسانی از طریق رعایت تناسب محیط مصنوع با گستردگی دریا؛ کاهش وابستگی به اتومبیل و استفاده از مقیاس انسانی و اولویت پیاده در طراحی ساحل؛ ایجاد حس محصوریت و عدم غلبه فضا بر انسان در ساحل
ایمنی	امکان و پیش‌بینی دسترسی امن به آب توسط اسکله‌ها و موج‌شکن‌ها؛ امنیت تجهیزات و امکانات فیزیکی در مقابل عوامل طبیعی و اقلیمی؛ رعایت حریم جزر و مد در محدثات و سازه‌های ساحلی؛ روشنایی مناسب برای استفاده شبانه از محدوده ساحل؛ ایمنی متقابل سواره و پیاده در طراحی شبکه دسترسی
زیبایی بصری	ایجاد خوانایی از طریق ایجاد عناصر شهری با هویت در ساحل؛ وجود سکانس‌های مختلف بصری و فضاهای مکث؛ استفاده از مصالح (جنس و رنگ و...) مناسب و بومی در طراحی عناصر مصنوع و جداره‌ها در ساحل؛ طراحی واضح و دور از اغتشاش در محدوده ساحل؛ استفاده از علائم نشانه‌ای (طبیعی یا مصنوع) قابل رؤیت حتی از فواصل دور؛ توجه به ترکیب رنگی عناصر مستقر در کناره ساحل در زمینه طبیعی آن‌ها
نفوذپذیری	تعریف حوزه‌های فضایی مختلف با تمهیداتی مانند اختلاف کف‌سازی، اختلاف ارتفاع...؛ امکان دسترسی و نفوذ آسان پیاده به کناره ساحل؛ وجود ارتباط و پیوستگی مسیرهای حرکتی (پیاده) در طول ساحل

در این تحقیق نیز، داده‌های جمع‌آوری شده، در دو قسمت آمار توصیفی و آمار استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS₂₅ تجزیه و تحلیل شده است به طوری که: ۱. ابتدا با استفاده از نرم‌افزار SPSS₂₅ در سطح آمار توصیفی، ویژگی‌های دموگرافیک و اجتماعی - اقتصادی نمونه تحقیق، توصیف و سپس فراوانی، درصد، هرکدام از آن‌ها محاسبه و نتایج تحلیل شده است. ۲. در مرحله بعد از این نرم‌افزار برای ارتباط میان عناصر منظر شهری و میزان حس تعلق به مکان در سواحل شهری و محدوده مورد مطالعه (ساحل بوشهر) استفاده شده است؛ و ۳. در نهایت

اقدام به اولویت‌بندی انگاره‌های منظر شهری مؤثر بر حس تعلق به مکان در سواحل شهری و نمونه مورد مطالعه شده است.

۴-۱ منظر شهری و حس تعلق به مکان

برای اهمیت و اولویت شاخص‌های تحقیق از نتایج حاصل از پرسشنامه در بین دو گروه (شهروندان و کارشناسان) استفاده شده است. بر اساس مقدار کای اسکوتر $424/143$ تفاوت معنی‌داری ($0.001 < \text{Sig}$) در اولویت‌های انگاره‌های منظر شهری مؤثر بر حس تعلق به مکان وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که شاخص عوامل محیطی با میانگین رتبه $98/6$ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن شاخص ایمنی با میانگین رتبه $68/4$ در اولویت دوم و سپس شاخص‌های موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، نفوذپذیری، زیبایی بصری و مقیاس انسانی به ترتیب با میانگین رتبه $31/4$ ، $22/4$ ، $46/3$ ، $05/3$ و $35/1$ در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

۴-۲ عوامل محیطی، منظر بوشهر و حس تعلق به مکان

مشاهده می‌شود با مقدار کای اسکوتر $671/575$ تفاوت معنی‌داری ($0.001 < \text{Sig}$) در اولویت‌های گویه‌های شاخص عوامل محیطی وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که گویه غنای حسی از طریق استفاده از حواس (بویایی، شنوایی، چشایی و...) با میانگین رتبه $5/23$ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن گویه‌های حفظ شخصیت صخره‌ای و سنی ساحل، فراهم بودن امکان دسترسی به آب، وجود شرایط آسایش اقلیمی، استفاده از مصالح بومی و بهره‌گیری از پوشش گیاهی مناسب به ترتیب با نمره میانگین $5/11$ ، $4/94$ ، $5/56$ ، $3/43$ و $3/18$ در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

۴-۳ موقعیت مکانی، منظر بوشهر و حس تعلق به مکان

بر اساس مقدار کای اسکوتر $489/393$ تفاوت معنی‌داری ($0.001 < \text{Sig}$) در اولویت‌های گویه‌های شاخص موقعیت مکان وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که گویه پیوند میان بافت تاریخی مجاور و بناهای باارزش مجاور با لبه آب با میانگین رتبه $7/19$ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن گویه‌های اتصال ساحل به استخوان‌بندی شهری، سبک معماری اصیل و با هویت، طراحی منعطف و خلاقانه لبه و بدنه ساحل، دسترسی به خدمات شهری و وجود پارکینگ مناسب به ترتیب با نمره میانگین $7/15$ ، $7/03$ ، $6/41$ ، $4/98$ و $4/12$ در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

۴-۴ تنوع فضایی، منظر بوشهر و حس تعلق به مکان

نتایج تحقیق با مقدار کای اسکوتر $1370/901$ تفاوت

معنی‌داری ($0.001 < \text{Sig}$) در اولویت‌های گویه‌های شاخص تنوع فضایی را نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که گویه قابلیت تجمع پذیری (وجود فضاهایی در ساحل برای برگزاری رویدادها و تجمع‌های حماسی، اعتراضی، پیروزی و...) با میانگین رتبه $6/39$ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن گویه‌های قابل رؤیت بودن و قرائت پذیری فعالیت‌ها و فضاها، حفظ کریدورهای بصری دید به لبه آب و نشانه‌های بصری، امکان حضور در عرصه‌های عمومی در ساعات مختلف شبانه‌روز، فضای ساحلی برای بروز رفتارهای جمعی (قرار گذاشتن، دورهم جمع شدن)، وجود بسترهای لازم جهت استفاده گروه‌های مختلف سنی وجود بستر مناسب جهت فعالیت‌های مرتبط با آب مانند ماهیگیری، قایقرانی و شنا و ساحل مانند دوچرخه‌سواری، فعالیت‌های ورزشی و... وجود فضاهای برای ایستادن، نشست، تماشا و... وجود مبلمان مناسب شهری جهت استفاده فعالیت‌های مختلف در فضا و تنوع در ارائه خدمات به ترتیب با نمره میانگین $5/36$ ، $5/14$ ، $4/28$ ، $4/17$ ، $3/59$ ، $3/57$ ، $3/46$ ، $3/37$ و $3/21$ در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

۴-۵ مقیاس انسانی، منظر بوشهر و حس تعلق به مکان

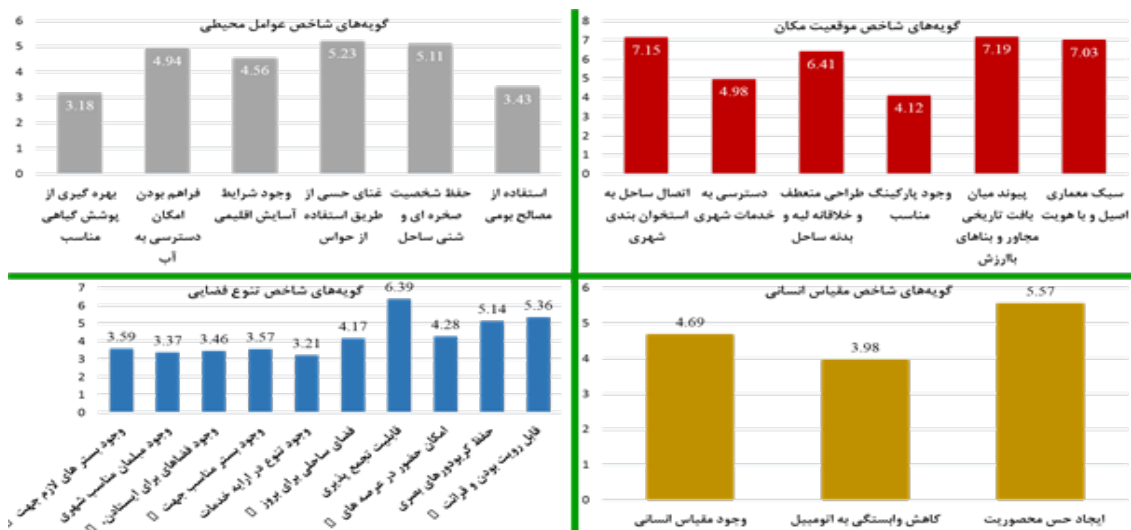
بر اساس مقدار کای اسکوتر $110/469$ تفاوت معنی‌داری ($0.001 < \text{Sig}$) در اولویت‌های گویه‌های شاخص مقیاس انسانی وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که گویه ایجاد حس محصوریت و عدم غلبه فضا بر انسان در ساحل با میانگین رتبه $5/57$ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن گویه‌های وجود مقیاس انسانی از طریق رعایت تناسب محیط مصنوع با گستردگی دریا و کاهش وابستگی به اتومبیل و استفاده از مقیاس انسانی و اولویت پیاده در طراحی ساحل به ترتیب با نمره میانگین $4/69$ و $3/98$ در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

۴-۶ ایمنی، منظر بوشهر و حس تعلق به مکان

با مقدار کای اسکوتر $888/782$ تفاوت معنی‌داری ($0.001 < \text{Sig}$) در اولویت‌های گویه‌های شاخص ایمنی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که گویه امنیت تجهیزات و امکانات فیزیکی در مقابل عوامل طبیعی و اقلیمی با میانگین رتبه $4/35$ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن گویه‌های رعایت حریم جزر و مد در محدثات و سازه‌های ساحلی، امکان و پیش‌بینی دسترسی امن به آب توسط اسکله‌ها و موج‌شکن‌ها، روشنایی مناسب برای استفاده شبانه از محدوده ساحل و ایمنی متقابل سواره و پیاده در طراحی شبکه دسترسی به ترتیب با نمره میانگین $4/14$ ، $4/12$ ، $4/69$ و $3/68$ در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

۷-۴ زیبایی بصری، منظر بوشهر و حس تعلق به مکان

نتایج نشان می‌دهد که مقدار کای اسکور ۲۳۱/۷۷۴ تفاوت معنی‌داری ($p < 0.001$) در اولویت‌های گویه‌های شاخص زیبایی بصری وجود دارد. همچنین نشان می‌دهد که گویه تقویت نقاط ویژه و قابل رؤیت در ساحل دریا با میانگین رتبه ۸/۹۶ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن گویه‌های ایجاد خوانایی از طریق ایجاد عناصر شهری، استفاده از علائم نشانه‌ای قابل رؤیت، توجه به ترکیب رنگی عناصر مستقر در کناره ساحل، استفاده از نمادهای بومی، استفاده از مصالح مناسب و بومی، طراحی واضح و دور از اغتشاش و وجود سکانس‌های مختلف بصری به ترتیب با نمره میانگین ۷/۵۵، ۷/۳، ۶/۹۲، ۶/۶۹، ۴/۷۷، ۴/۰۹ و ۳/۱۲ در اولویت‌های بعدی قرار دارند.



نمودار ۳. نتیجه آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی گویه‌های شاخص موقعیت، عوامل محیطی، مقیاس انسانی و تنوع فضایی مؤثر بر حس تعلق به مکان؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار ۴. اولویت‌بندی گویه‌های شاخص‌های زیبایی بصری، ایمنی، حس تعلق و نفوذپذیری در ارتباط با حس تعلق به مکان؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴-۸ نفوذپذیری، منظر بوشهر و حس تعلق به مکان

با مقدار کای اسکور ۶۵۲/۱۵۸ تفاوت معنی‌داری ($0.001 < \text{Sig}$) در اولویت‌های گویه‌های شاخص نفوذپذیری وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که گویه امکان دسترسی و نفوذ آسان پیاده به کناره ساحل با میانگین رتبه ۳/۴۸ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن گویه‌های وجود ارتباط و پیوستگی مسیرهای حرکتی و تعریف حوزه‌های فضایی مختلف به ترتیب با نمره میانگین ۳/۰۵ و ۲/۵۱ در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

همانطور که مشاهده می‌شود با مقدار کای اسکور ۶۹۱/۱۴۵ تفاوت معنی‌داری ($0.001 < \text{Sig}$) در اولویت‌های گویه‌های شاخص حس تعلق مکانی وجود دارد. همچنین نشان می‌دهد که گویه ساحل بخشی از وجود من است با میانگین رتبه ۸/۵۱ بیش‌ترین تأثیر و پس از آن گویه‌های ساحل نشان‌دهنده شخصیت و ذات من، احساس آرامش در ساحل، خاطره‌های مشترکی با افراد، حس دلبازی در ساحل، دل‌تنگ بودن برای دیدن ساحل، احساس خوشبختی در ساحل، شوق دیدن ساحل، رفع نیازها در ساحل، انجام کارهای موردعلاقه در ساحل، انجام کارها در ساحل، تصاویری مستند از ساحل، احساس رضایت از ساحل و تلاش برای حفظ ساحل به ترتیب با نمره میانگین ۸/۰۲، ۷/۷۷، ۶/۹۱، ۶/۸۸، ۶/۸۶، ۶/۵۴، ۶/۳۶، ۶/۵۴، ۵/۶۴، ۴/۹، ۳/۶۷، ۳/۴۶ و ۳/۱۹ در اولویت‌های بعدی قرار دارند. در این پرسشنامه چهار گویه مربوط به بعد شناختی، شش گویه مربوط به دلبستگی و چهار گویه مربوط به بعد وابستگی در نظر گرفته شده است. حس تعلق به مکان استفاده‌کنندگان ساحل در بعد شناختی (هویتی) و عاطفی (دلبستگی) در سطح بالایی قرار دارد. از نظر آن‌ها شرایط ساحل بازگوکننده هویت و شخصیت آن‌ها می‌باشد. بعد رفتاری (وابستگی) نسبت به بعد شناختی و عاطفی در سطح پایین‌تری قرار دارد.

۵- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

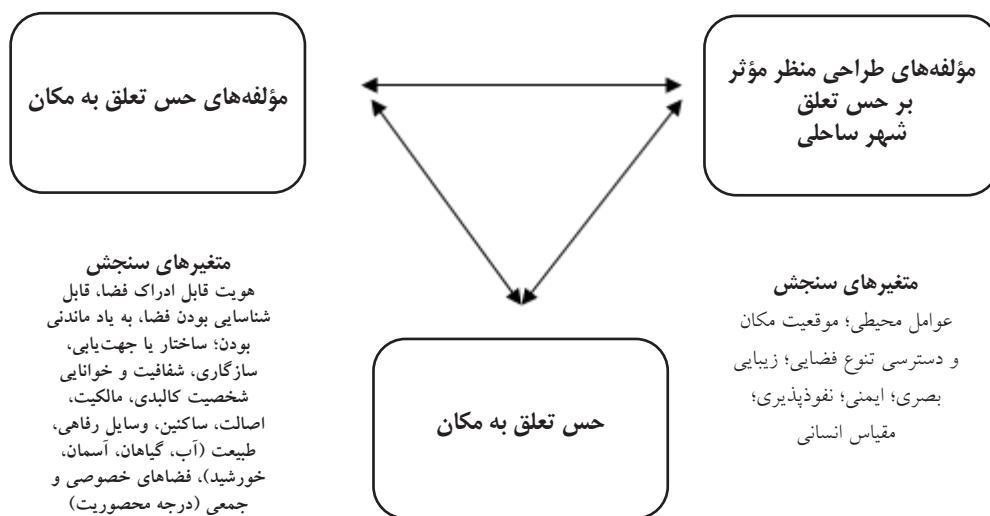
عدم توجه برنامه ریزان و طراحان سواحل شهری به معیارهای تحقق حس تعلق به مکان در طراحی منظر سواحل می‌تواند مشکلات اساسی برای استفاده‌کنندگان از این فضاهای حیاتی شهری به دنبال داشته باشد. این درحالی است که جوامع انسانی که در سواحل کشور زندگی می‌کنند بخش مهمی از جمعیت شهری کشور را تشکیل می‌دهند؛ لذا نتایج پژوهش‌ها در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان ضمن افزودن به

دانش برنامه‌ریزی و طراحی سواحل شهری می‌تواند به تدوین ضوابط طراحی مناسب‌تر کمک کند و امکان طراحی ساحل با کیفیت بهتر را فراهم می‌کند. یکی از معانی مهم و مؤثر که از ارتباط بین انسان و مکان حاصل می‌شود حس تعلق به مکان است. می‌توان گفت که هویت مکان از ارتباط و حضور انسان در مکان شکل می‌گیرد و در مرحله بعد به واسطه ویژگی‌های مطلوب آن وابسته می‌شود و در نهایت احساس دلبستگی پیدا می‌کند. تحقیق حاضر معتقد است که بین عوامل محیطی، موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، ایمنی، نفوذپذیری و حس تعلق مکانی رابطه مثبتی وجود دارد و چنانچه شاخص‌های ذکر شده در سواحل شهری و به‌طور مشخص در ساحل شهر بوشهر (حدفاصل خیابان انقلاب تا میدان شهرداری) تقویت شوند می‌توان شاهد برآورده شدن انتظارات و نیازهای اهالی آن محیط بود و در پی آن سبب شکل‌گیری و ارتقای حس تعلق به ساحل شهر بوشهر خواهد شد. همچنین می‌توان شاهد حضور مداوم مردم در ساحل شهر بوشهر بود به‌طوری‌که علاوه بر حضور فیزیکی، در حفظ، نگهداری و توسعه ساحل شهر بوشهر تلاش کنند. علاوه بر این، رساله حاضر معتقد است که برای اینکه احساس تعلق به ساحل شهر بوشهر در مسیر درست و صحیح آن حاصل شود لازم است در طراحی و معماری فضای ساحل شهر بوشهر به ترتیب روی شاخص‌های عوامل محیطی، ایمنی، موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، نفوذپذیری، زیبایی بصری و مقیاس انسانی توجه شود. همچنین بر اساس مبانی نظری و ادبیات تحقیق و مصاحبه با متخصصین امر و صاحب‌نظران مؤلفه‌های منظر شهری در راستای حس تعلق به مکان به ۷ مؤلفه شامل: عوامل محیطی، موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، ایمنی، نفوذپذیری، زیبایی بصری و مقیاس انسانی تقسیم گردید. یافته‌های تحقیق نشان در ساحل بوشهر ارتباط میان عوامل محیطی، موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، ایمنی، نفوذپذیری و حس تعلق مکانی رابطه معنادار است ولی در ارتباط بین متغیرهای زیبایی بصری و مقیاس انسانی و حس تعلق به مکان در ساحل شهر بوشهر (حدفاصل خیابان انقلاب تا میدان شهرداری) رابطه معنی‌داری به دست نیامده است.

جدول ۱۱. تبیین مؤلفه‌های طراحی منظر شهر ساحلی بر حس تعلق به مکان در بوشهر؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

مؤلفه / عامل	شرح تأثیرات
عوامل محیطی	با وجود عوامل خاص اقلیمی شهر بوشهر، به دلیل گرمای شدید و رطوبت بالا در طول روز، زندگی شهر و فعالیت‌های شهری در طول روز به سختی انجام می‌شود، به عبارتی دیگر در طول روز زندگی و حیات شهری به چشم نمی‌خورد؛ اما به محض فرا رسیدن غروب و کاهش دما جلوه شهر متحول می‌شود. مراکز خرید شروع به فعالیت می‌کنند حیات شهری عیان می‌شود. در کل بوشهر دارای زندگی پس از غروب است که حضور مردم در فضای شهری سازنده تصویری از زندگی شهر در ذهن هر بیننده‌ای است. وجود بادهای دریایی و متعاقب آن طوفان‌های دریایی در پاره‌ای از ایام سال نیز در استفاده از فضای ساحل مؤثر می‌باشد.
موقعیت مکان	موقعیت مکان و دسترسی که بیشتر در مقیاس شهری مطرح می‌شود و شامل هم‌جواری‌ها، روابط و چیدمان فضا، دسترسی به تسهیلات و امکانات رفاهی و غیره می‌باشد. نقش پیونددهنده شریان‌های عبوری (جاده ساحلی و...) از فضا و سایر اجزاء سازنده مرکز شهر، مجاورت با بافت قدیم و تاریخی بوشهر و تعامل انسانی حاصل از آن و مجاورت با قلب تجاری شهر و تعامل انسانی و اقتصادی حاصل از آن و حضور کاربری‌های اقامتی، تفریحی در مجاورت با حوزه مزبور و وجود ابنیه ارزشمند با کاربری‌های شاخص و عمومی (ساختمان میراث فرهنگی، ایران‌شناسی، مساجد قدیمی بافت، شورای شهر، آب‌انبار قوام) به‌عنوان نشانه‌های ذهنی شاخص خط ساحلی می‌تواند در معنادار بودن رابطه مؤثر باشد.
تنوع فضایی	تنوع فضایی شامل گوناگونی کاربری‌ها و فعالیت‌ها و مکانی است که تنوع فعالیت و کاربری‌های مختلف داشته باشد، افراد مختلف را در اوقات گوناگون با منظرهای متنوع به خود جلب می‌کند. هدف از تنوع فضایی این است که میزان حق انتخاب را فزونی دهد و از احساس یکنواختی و ملال جلوگیری کند. اختلاط کاربری‌ها در محدوده، وجود محدود کاربری‌های همساز با ساحل مانند (فعالیت‌های آبی در ابتدای محدوده)، وجود کاربری‌های تجاری رستوران و اغذیه‌فروشی در لبه ساحلی، همجواری با بافت قدیم و مرکز تجاری شهر، وجود عرصه‌های باز در فضای مورد بررسی (محدوده قوام و پارک ساحلی)، وجود و ثبت قرارگاه‌های رفتاری در ساحل مورد مطالعه باعث سرزندگی خط ساحلی در شب شده است.
ایمنی	محیط مطلوب باید از نظر کالبدی محیطی امن باشد، یکی از عوامل ایجاد ایمنی وجود قابلیت‌های حرکتی مناسب و ایمن در قرارگاه‌های رفتاری است. وجود پلکان یا راه‌های امن برای دسترسی به آب در مقاطعی از ساحل و محل‌هایی که دریا و ساحل اختلاف ارتفاع دارند و استفاده از سازه‌های حفاظت از ساحل در برابر عوامل طبیعی و محیطی (مانند دیوارهای دریایی و...) باعث ایجاد رابطه معنادار با حس تعلق به مکان می‌باشد. همچنین تداخل سواره و پیاده در مقاطعی از ساحل، نبود باند کندگذر و... باعث کم شدن اولویت ایمنی متقابل سواره و پیاده شده است.
نفوذپذیری	راهکارهای نفوذپذیری، به دو دسته راهکار نفوذپذیری بصری و کالبدی (فیزیکی) تقسیم می‌شوند که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند نفوذپذیری بافت شهری به معنای امکانی است که بافت شهری به عابران پیاده و سواره برای انتخاب مسیر می‌دهد. نفوذپذیری بصری به معنی امکاناتی است که بافت شهری برای رؤیت یک مکان از مکانی دیگر فراهم می‌آورد یعنی میزان رؤیت پذیری. امکان دسترسی و نفوذ پیاده به کناره ساحل با وجود تداخل حرکت سواره و پیاده و ارتباط و پیوستگی مسیرهای حرکتی در طول ساحل مورد مطالعه می‌تواند در معنادار بودن نفوذپذیری با حس تعلق مکان مؤثر باشد.
مقیاس انسانی	نبود محصوریت و پیوستگی جداره ساختمان‌های مشرف به ساحل، عدم همخوانی ارتفاع جداره‌ها و بدنه‌های بافت مجاور ساحل، تخریب و ویرانی جداره ساحلی بافت تاریخی، تداخل سواره و پیاده، در عدم معناداری ارتباط مؤثر می‌باشد.
زیبایی بصری	خوانایی احساس سهل بودن قرائت محیط و جهت‌یابی در مسیر است که در هر لحظه برای فرد امکان شناسایی موقعیت خود را در بافت شهری فراهم گرداند. امری حسی، ذهنی و معطوف به استفاده‌کننده است. عوامل مؤثر در خوانایی، نظم، وضوح، سادگی و پیوستگی می‌باشد.

در ارتباط با گویه‌های شاخص حس تعلق مکانی، با توجه به مبانی نظری حس مکان به‌عنوان یک ساختار چندبعدی که بیانگر اعتقادات، احساسات و تعهدات رفتاری در یک محیط خاص که به ترتیب بعد شناختی، بعد عاطفی و بعد رفتاری می‌باشد در نظر گرفته شده است؛ لذا با مراجعه به حس تعلق به مکان استفاده‌کنندگان ساحل در بعد شناختی (هویتی) و عاطفی (دلبستگی) در سطح بالایی قرار دارد. از نظر آن‌ها شرایط ساحل بازگوکننده هویت و احساس آن‌ها می‌باشد که وجود دریا به‌عنوان عنصر هویت‌ساز در ساختار فضایی شهر بی‌شک مهمترین عامل می‌باشد. بعد رفتاری (وابستگی) نسبت به بعد شناختی و عاطفی در سطح پایین‌تر قرار دارد و نشان می‌دهد ساحل در برآورده کردن نیازهای آن‌ها موفق عمل نکرده که عدم تجهیز خط ساحلی برای شکل‌گیری فعالیت‌های تفریحی و مرتبط با آب، عدم وجود بسترهای مناسب جهت استقرار خانواده، تداخل حرکت سواره و پیاده، تهدیدات ناشی از فرسودگی و تخریب بافت تاریخی بوشهر در این امر مؤثر می‌باشند.



نمودار ۵. مدل مفهومی مؤلفه‌های طراحی منظر شهرهای ساحلی و برانگیزش حس تعلق به مکان؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در ادامه به برخی راهکارهای موردنظر اشاره شده است.

جدول ۱۲. راهکارهای پیشنهادی عوامل محیطی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
عوامل محیطی	حفظ کاراکتر سنی و صخره‌ای ساحل در مجاورت آب؛ جلوگیری از جریان یافتن فاضلاب در کناره یا ساحل؛ پرهیز از بکار بردن مصالح جذب‌کننده و نگهدارنده حرارت و رطوبت؛ تعدیل رطوبت و دما با استفاده از پوشش گیاهی و گونه‌های بومی و جریان یافتن نسیم در کناره‌ها؛ مکانیابی و طراحی فضای سبز متناسب با قابلیت‌های طبیعی منطقه (کاشت گیاهان سازگار با ساختار اکولوژیک و منظر طبیعی آن)؛ در نظر گرفتن محدودیت‌های زیست‌محیطی به‌ویژه خاک و آب

جدول ۱۳. راهکارهای پیشنهادی موقعیت مکانی و دسترسی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
موقعیت مکان و دسترسی	طراحی منعطف و خلاقانه لبه و بدنه ساحل و ترکیب با بستر طبیعی ساحل؛ امتداد و نفوذ ساحل در شهر با استفاده از کریدورهای سبز و اتصال به شبکه فضایی سبز داخل شهر؛ اتصال ساحل در مناطق گذر از استخوان‌بندی شهر با ایجاد دسترسی مناسب؛ ارتباط ساحل با بافت‌های همجوار

جدول ۱۴. راهکارهای پیشنهادی تنوع فضایی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
تنوع فضایی	وجود محل‌هایی برای گردهمایی‌های خانوادگی و دوستانه؛ ایجاد بسترهای چند عملکردی و قابل تجهیز توسط استفاده‌کنندگان؛ وجود روشنایی و فعالیت‌های کافی برای قابل استفاده کردن فضا در شب؛ وجود بسترهای فضایی مناسب برای فعالیت‌های مرتبط با آب چون ماهیگیری، قایقرانی و شنا؛ وجود کاربری‌های چون رستوران، تریا و ... ترجیحاً با سرویس در فضای باز به صورت پراکنده؛ قرار دادن بازارچه سنتی و مراکز خرید، کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی، موزه‌ها و بناهای یادمانی در درون پارک‌ها و فضاهای سبز حاشیه؛ حذف کاربری‌های ناسازگار و مزاحم از نوار ساحلی (کارگاه‌ها و پادگان‌ها...)

جدول ۱۵. راهکارهای پیشنهادی ایمنی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
ایمنی	تعیین حریم جزر و مد و در نظر گرفتن حریم ساخت‌وساز؛ ایجاد خلیج‌های امن برای فعالیت‌های آبی افراد؛ ایجاد پلیکان یا راه‌های امن برای دسترسی به آب در محل‌هایی که دریا و ساحل اختلاف سطح دارند

جدول ۱۶. راهکارهای پیشنهادی مقیاس انسانی؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
مقیاس انسانی	ایجاد تناسب میان گستردگی ساحل با ابعاد دانه‌های مستقر در آن؛ پرهیز از عرصه‌های بزرگ و نامتناسب با توان فیزیکی انسان؛ انسانی کردن فضاها از طریق رعایت مقیاس‌ها و تناسبات؛ توجه به زاویه دید ناظرین

جدول ۱۷. راهکارهای پیشنهادی زیبایی بصری؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
زیبایی بصری	استفاده از رنگ برای هدایت حرکت بصری با استفاده از گونه‌های مختلف گیاهی و مصالح؛ ترکیب میان ساحل و نمای ساختمان‌ها بافت شهری با استفاده از عناصر واسطه در طراحی شامل استفاده از رواق‌ها و پیروی از امتداد خطوط نمای ساختمان‌ها؛ بازگشایی محورهای دید از درون بافت شهر به دریا به منظور جاذبه‌های بصری و خوانایی بافت؛ تقویت نقاط ویژه و قابل رؤیت در دریا در شب و روز

جدول ۱۸. راهکارهای پیشنهادی نفوذپذیری؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
نفوذپذیری	حاکمیت پیاده با دور کردن سواره در حال حرکت یا توقف از کناره؛ استفاده از بدنه‌های شفاف، نیمه شفاف و سبک در کنار ساحل؛ طراحی واضح و دور از اغتشاش؛ افزایش خوانایی بدنه ساحل از طریق ایجاد عناصر شهری برجسته

- وجود» ترجمه رضا ابویی - رامین رضایی - فرزین مرادی، یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
۱۹. کرمونا، متیو، هیت، تیم، اک، تنروف تیسدل، استیون (۱۳۸۸)، «مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری»، ترجمه قرائی، شکوهی، اهری و صالحی، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.
۲۰. گلکار، کورش (۱۳۸۵) مفهوم منظر شهری، مجله آبادی، شماره پنجاه و سوم.
۲۱. گلکار، کورش، (۱۳۷۹)، مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. صنفه. ۳۲، ۳۸-۶۵.
۲۲. مدیری، آتوسا (۱۳۸۷) «مکان»، هویت شهر، ش ۲: ۶۹-۷۹.
۲۳. مرادی موسوی، محدثه السادات و فناپی، ساناز، ۱۳۹۷، راهکارهای مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان و شکل‌گیری هویت مکان (نمونه موردی: محله بهجت‌آباد شهر تهران)، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، تهران.
۲۴. مظلومی، سید مازیار، (۱۳۸۹). تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. ۱ (۳)، ۱۳۱-۱۵۰.
۲۵. منتظرالحجه، مهدی و شریف نژاد، مجتبی و دهقان، سهیلا، (۱۳۹۵). ارزیابی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در مراکز محله‌های شهری، مطالعه موردی: مراکز محله‌های شیخداد و شهرک دانشگاه در شهر یزد. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۲۶، ۴۳-۵۴.
۲۶. منصوری، سید امیر (۱۳۸۹) چپستی منظر شهری، بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران. منظر، ۲(۹).
۲۷. نکویی زهرایی، نسیم السادات، مؤمنی، کورش، عطاریان، کورش. (۱۳۹۷): بررسی حس تعلق به مکان در بناهای مذهبی - تاریخی در راستای افزایش تعامل ساکنین محله با بنا (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان). معماری و شهرسازی ایران،
۲۸. نوروزیان ملکی، سعید و امید، ندا، (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی-اجتماعی بر حس مکان در فضاهای باز مجتمع مسکونی. هویت شهر. ۴۱، ۸۷-۹۸.
۲۹. یگانه محلاتی سیامک (۱۳۸۹). بررسی و ارائه راهبردهای توسعه پایدار در شهرهای ساحلی و آثار توریسم بر محیطزیست شهری و توسعه پایدار آن، در دسترس در ir.aftab.www
30. Agarwal A. Shankar R. Tiwari M.K. (2007), "Modeling agility of supply chain", Industrial Marketing Management, Vol.31
31. Altman, I. and S. Low, (1992): Place Attachment, Plenum Press, NewYork.
32. Barbier, E.B. (2014). "A global strategy for protecting vulnerable coastal populations". Science 345
33. Brown, G. Brown, B. B. , & Perkins, D. D., 2004 b, New housing as neighborhood revitalization: place attachment and confidence among residents . journal of Environment and Behavior, 36(6), 749-775.
34. Canter, D. (1971): The Psychology of Place, the Architectural Press, London.
35. Carmona, Mathew; Health, Tim; Oc, Taner, and Tiesdell, Steve (2003). "Public Places-Urban Spaces". Oxford: Architectural Press.
36. Chavis, A. & König, G. (1996). Full Scale Mea-
۱. احمدی کرد آسیایی، فرزانه (۱۳۹۳)، ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در عدالت فضایی میان نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر قائم‌شهر)، فصلنامه مدرس علوم انسانی برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره هجدهم، شماره ۲.
۲. بمانیان، محمدرضا و احمدی، فریال (۱۳۹۳) طراحی و اکولوژی منظر (مقدمه‌ای بر اصول و روش‌ها)، نشر سازمان زیباسازی شهرداری تهران
۳. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵) «سیمای شهر: آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید»، فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۵۳: ۲۰-۲۶
۴. پور جعفر، محمدرضا، (۱۳۹۲) طراحی شهری محیطی کنار آب، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
۵. حبیب، فرح (۱۳۸۵) «فضای شهری بستر تعامل اجتماعی». نشریه‌ی معماری و فرهنگ، ش ۲۴: ۲۱-۱۳.
۶. دانش‌پایه، نثار و حبیب، فرح و طغیانی، شیرین، (۱۳۹۶). تدوین شاخص‌های کالبدی مؤثر در خلق حس مکان در توسعه جدید شهری. مدیریت شهری. ۴۷، ۱۱۹-۱۳۰.
۷. ذکاوت، کامران (۱۳۸۵) چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر، نشریه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دور جدید).
۸. رادول، دنیس (۱۳۹۲) «حفاظت و پایداری در شهرهای تاریخی» ترجمه پیروز حناچی، یلدا شاه تیموری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. رلف، ادوارد، (۱۳۸۹) مکان و بی‌مکانی، ترجمه محمدرضا محمدی، تهران، آرمانشهر
۱۰. شاهین راد، مهنوش و رفیعیان، مجتبی و پور جعفر، محمدرضا، (۱۳۹۸). خوانش قصه‌های جامعه از متن فضای شهری: تقویت و تداوم حس مکان. معماری و شهرسازی آرمانشهر. ۲۷، ۱۱۹-۱۲۹.
۱۱. صادقی فرشته، رؤیا؛ دانشگر مقدم، گلرخ و دژدار، امید (۱۳۹۱). «بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین». مدیریت شهری، ش ۳۰: ۲۶۴-۲۵۳.
۱۲. فروزنده، جوان، مطلبی، قاسم، (۱۳۹۰) مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، هویت شهر: ۲۷-۳۷.
۱۳. فلاحت، محمداصاق. (۱۳۸۵): مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، ۵۷-۶۶.
۱۴. قشقایی، رضا، موحد، خسرو، محمدزاده، حجت‌الله (۱۳۹۵). ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه موردی: ساحل بوشهر)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۴ (۲)، ۲۶۱-۲۸۲.
۱۵. قشقایی، رضا، موحد، خسرو، مضطر زاده، حامد (۱۳۹۷). تدوین معیارهای طراحی منظر شهری در راستای برانگیزش حس تعلق به مکان. مدیریت شهری و روستایی، ۱۷ (۵۰): ۴۶۰-۴۳۵.
۱۶. قیاسی، همایون و صرافی گهر، اسماعیل. (۱۳۹۵). تبیین مدل نظری ارتقاء حس مکان در طراحی معماری و شهر. مدیریت شهری، شماره ۴۵، ۱۴۷-۱۷۰.
۱۷. کاشی، حسین و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲). «تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن». هنرهای زیبا، ش ۳: ۵۲-۴۳.
۱۸. کرامر-یوهانس و برتلینگ - استفان (۱۳۹۳) «معماری در بافت

53. Proshansky, H. M. (1978). The city and selfidentity. *Environment and Behavior*, 10,147-169.
54. Punter, J. (1991): *Participation in the Design of Urban Space. Landscape Design* (200): pp: 7-24.
55. Relph, E. (1976), *Place and placelessness*. London: Pion Limited.
56. Shamai, S. (1991): *Sense of place: an empirical measurement*. *Geo forum* 22)3 (: pp: 347358 -.
57. Shultez, N.(2011), *Splite of Place*, translate by: Mohammadreza Shirazi, Second time, Tehran: Rokhdadno press
58. Stedman, R. C. (2001). Sense of place as an attitude: Lakeshore property owners' attitudes toward their properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248.
59. Sun Hua, H. (2010): *World Heritage Classification and Related Issues A Case Study of the Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage*. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 12(2): pp: 6954-6961.
60. Tuan, Y. F.(1980), Rootedness versus sense of place, *Landscape*, No. 24, 3-8.
61. Tuan, Y.F. (1974). *Topophilia: A study of environmental perception, attitudes and values*. New York, NY: Columbia University Press.
62. Tuan, Yi-Fu (1981) 'Space and Place: The Perspective of Experience' University of Minnesota Press, p.126.
63. United Nations (2007). *World urbanization prospects: 2014 revision population*, United Nations publication, New York
64. Vernberg J and Vernberg W.B (2001). *The Coastal Zone: Past, Present, and Future*, University of south California press, First edition, Columbia, South California
65. Williams, Lynne, 2003, "Beyond House and Haven: Toward a previsioning of Emotional Relationship with Place", *Journal of Environmental Psychology*, 23, 47-61
66. Ye L, Mandpe S and Mayer E (2005). What is "smart growth?" - Really? *Journal of planning literature*, 19(3),301-315
67. Zeng C, He S and Cui J (2014). A Multi-Level and Multi-Dimensional Measuring on Urban Sprawl: A Case Study in Wuhan Metropolitan Area, *Central China, Sustainability*, no6,3571-3598
68. Zhang J and Gilbert A et al (2010), Natural and human-induced hypoxia and consequences for coastal areas: synthesis and future development, *Bio geoscience*, 7,1443-1467
69. Zhao, P (2010). Sustainable urban expansion and transportation in a growing megacity: Consequences of urban sprawl for mobility on the urban fringe of Beijing, *Habitat International*, 34 (2), 236-243
37. Chen D (1999). Once there were Greenfields: *How urban sprawl is undermining America's environment, economy, and social fabric*. New York and Washington, DC: Natural Resources Defense Council
38. Corner, J. (2006). Terra Fluxus. In C. Waldheim (Ed.), *Landscape Urbanism Reader* (pp. 21-34). New York: Princeton Architectural Press
39. Cuthbert, A. R. (2006), "The Form of Cities", Australia: Blackwell Publishing Ltd.
40. Feldman, B.P. (1990), Effects of sense of place on responses to environmental impact: a case study among residents in an Arctic community, *Applied Geography*, 18(2): 169-189.
41. Greenberg, R. (2005), "The Dictionary of Urbanism", Tisbury and Wiltshire: Streetwise Press.
42. Gustafson, P, 2006, *Place Attachment and Mobility*, pp. 17-31, CAB international (Jorgensen & Stedman, 2001, 006)
43. Hernandez, B. Martin, A. M. Ruiz, C. & Hidalgo, M, C. 2010, The role of place identity and place attachment in breaking environment protection laws, *Journal of Environment Pscology*, 30(3),
44. Hinrichsen, D (2003). Trends and Future Challenges for U.S. National Ocean and Coastal Policy, NOAA coastal service center, Washington D.C, US
45. Huang J. Tzeng G. Ong Ch. (2015), "Multidimensional data in ultidimensional scaling using the analytic network process", *Pattern Recognition Letters*, ol.21.
46. Johnson, Amanda.J. & Glover, Troy.D. (2013) Understanding Urban Public Space in a Leisure Context, *Leisure Sciences: An Interdisciplinary Journal*, Vol.35, No.2, pp.190-197.
47. Jorgensen, B. S. & Stedman, R. C. (2001). Sense of place. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248.
48. Lalli, M, 1992, "Urban related Identity: Theory, Measurement and empirical findings", *journal of Environmental Psychology*, vole 12, pp. 285-303.
49. Lewicka, m. 2011b. On the varieties of people's relationship with places: human's typology revisited. *Environment & Behavior*, 43, 676-709.
50. Livingston, S.(1995), "The restorative benefits of nature: Toward an integrated framework", *Journal of Environmental Psychology*, 15, pp:169-182.
51. Magalhaes, Claudio. & Trigo, Sonia. (2017) Contracting out publicness: The private management of the urban public realm and its implications, *Progress in Planning*, Vol.115, No.1, pp. 1-28
52. Manzo, L, & Wright, P. (2017), *Place Attachment Advances in Theory, Methods And Applicatipns*, translate by: Hasan Sajadzadeh & Behnam Ghasezmsadeh, Hamedan: Bu-Ali University.